

همه او را به عنوان یک دیوانه سیاسی یا افراطی اقتصادی می‌شناسند.نمی‌تواند همانند روسای جمهوری سابق آمریکا خیلی راحت روی صندلی بنشینند و با همتایان خود با مقامات عالی کشورها بر اساس آداب دیپلماتیک گفت‌وگو کند. دائماً عصبی و خشمگین است.همسرش هم از کنار او بودن «شرم» دارد و رهبران جهان هم او را غیرقابل اعتماد و انسانی با ریسک بالا می‌دانند. تمام فکر و ذکرش پول و پول و پول است که البته به قول خودش «اول برای آمریکا» دست به جیب می‌شود و بعد بر اساس اصل حمایت از شرکای استراتژیک دست به قلم می‌شود. تجاری‌سازی امنیت، فکر و ذکرش شده و از هر روزنه‌ای برای درآمدزایی و گردنه‌گیری استفاده می‌کند. خانم‌ها و آقایان، ترامپ را برای شما تشریح کردم: از سال ۲۰۱۶ خیلی‌ها او را با القاب متعدد خطاب کردند که متن مذکور توان اشاره به آنها را ندارد اما بحث اصلی این است که ساکن کاخ‌سفید در وضعیت فعلی، بدجور زیر منگنه قرار دارد. البته بخشی از این اعمال فشار واقعی و مابقی آن برگی از نمایشنامه ساختار قدرت ایالات متحده است که طی چند قرن اخیر همیشه در حال تغییر و تکمیل بوده و بازیگران مشخصی همانند شطرنج داشته و کمی بعد هم (همانند بوش پدر) در زیر خاک دفن شدند. شاید عده‌ای بگویند شخص ترامپ، هادی و برنامه‌ریز اصلی وضعیت فعلی آمریکاست ولی باید متوجه بود سناریوی سیاست در سرزمین یانکی‌ها به صورت عجیب و غریب مصنوعی، سیال و البته هدفمند نوشته و اجرا می‌شود. واقعیت این است که ترامپ یک مهره همانند سایر چهره‌های ایالات متحده به حساب می‌آید فقط کمی با آنها تفاوت دارد که همین وجه تمایز موجب بار شدن هزینه‌های بسیار سنگین بر دوش جامعه ملل شده؛ از خلورمیانه و جنوب آسیا گرفته تا شرق آسیا و اروپا. حال مشخص نیست آفریقا چه زمانی به ویروس تکفیر اقتصادی یا سیاسی ترامپ آلوده شود.

■ **توپخانه کنگره علیه ترامپ**

در چند روز اخیر به صورت مکرر شاهد انتشار اخبار و مستنداتی در حوزه سیاست داخلی آمریکا بودیم که دقیقاً «توفان در کاخ‌سفید» را نمایان می‌کند. شاید پس از قضیه واتر گیت در سال‌های میانی دهه ۷۰ میلادی که در نه‌ایات منجر به کناره‌گیری ریچارد نیکسون از قدرت شد، وضعیت ترامپ یکی از عجیب‌ترین و البته پیچیده‌ترین پرونده‌های تاریخ آمریکا بسا محوری‌تر کاخ‌سفید باشد. ماجرا به این صورت است که رئیس‌جمهور آمریکا از ناحیه ۲ پرونده شدیداً زیر فشار قرار دارد و این به معنای چند هفته پر مشغله برای خبرنگاران س‌ان‌ان و واشنگتن‌پست است. س‌ان‌ان از آن جهت که دقیقاً به چالش کشیدن

ترامپ را در دستور کار قرار داده، حالا که «بازرس مولر» در حال ورق زدن پرونده دخالت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶

آنچه این روزها در کنگره و کاخ‌سفید می‌گذرد

محاصره ترامپ چقدر واقعی است؟

■ ناصر مرزبان *



«تئوری مؤنروث» نگاه به داخل را در دستور کار خود قرار داده تا بتواند در انتخابات ۲۰۲۰ بار دیگر پیروزی را از صندوق‌های

رای نصیب خود کند. ترامپ می‌داند اگر کمی سطح رفاه و درآمد را با یکدیگر توازن ببخشد بدون تردید اقبال او چند برابر خواهد شد. اینکه تمام زمین و زمان به او می‌گویند محمدبن سلمان مسؤول قتل خاشقجی بوده و او در نهایت اعلام می‌کند «عربستان شریک استراتژیک آمریکاست» یا اینکه جیمز متیس (وزیر دفاع آمریکا) صراحتاً ادامه حیات آمریکا را به ادامه حیات عربستان گره می‌زند، نشان می‌دهد عده‌ای قدرت در ایالات متحده آن‌گونه که در ایران فکر می‌کنند دموکراسی‌پذیر و پذیرای انتقاد نیست. حرف اول و آخر در آمریکا را سیاست و اقتصاد سیاسی

که ولیعهد عربستان را مسؤول قتل خاشقجی معرفی می‌کند. اشخاصی مانند لیندسی گراهام، مارکو روبیو و تاد یانگ از حزب جمهوری‌خواه و همچنین سناتورهای دموکرات از جمله دایان فین‌اشتاین، اد مارکی و کریستوفر کنز این طرح را ارائه داده‌اند و این به منزله حمله نصف و نیمه به ترامپ است. محتویات گفت‌وگوهایی که میان سناتور‌هاو جینا هاسیل (رئیس سازمان سیا) رخ داده است دقیقاً نشان می‌دهد اسنادی که سرویس اطلاعاتی ترکیه (میت) اخیراً و در جریان سفر هاسیل به وی تحویل داده است به حدی اعتبار دارد که هیچ نهاد و ارگان سیاسی- امنیتی در آمریکا نمی‌توانند آن را رد کنند اما تمام این متغیرها را اگر کنار بگذاریم به این نتیجه می‌رسیم که اظهارات ترامپ شروع‌کننده وضعیت فعلی است. باید این واشنگتن‌پست هم به حساب می‌آمد. اخیراً گروهی از سناتورهای جمهوری‌خواه و دموکرات آمریکا به طور واضح در برابر کاخ‌سفید مقاومت کرده و طرحی را ارائه دادند

■ ■ ■
محتویات گفت‌وگوهایی که میان سناتور‌ها و جینا هاسیل (رئیس سازمان سیا) رخ داده است دقیقاً نشان می‌دهد اسنادی که سرویس اطلاعاتی ترکیه (میت) اخیراً و در جریان سفر هاسیل به وی تحویل داده است به حدی اعتبار دارد که هیچ نهاد و ارگان سیاسی- امنیتی در آمریکا نمی‌تواند آن را رد کند

گروهی از سناتورهای جمهوری‌خواه و دموکرات آمریکا به طور واضح در برابر کاخ‌سفید مقاومت کرده و طرحی را ارائه دادند

واکاوی تازه‌ترین تحولات افغانستان

ابتکار عمل دست کیست؛ طالبان، آمریکا یا دولت؟

شهرستان‌های جاغوری و مالتسان نیز نزدیک به ۱۰۰ نفر از غیرنظامیان و نظامیان کشته و زخمی و ۵ هزار خانواده نیز آواره شدند. از شهرستان پشتون‌کوت استان فاریاب افغانستان نیز خبر می‌رسد در نتیجه محاصره مردم این منطقه و مسدود کردن راه‌های ارسال مواد غذایی به مردم، ۲ کودک در نتیجه گرسنگی و چندین زن در نتیجه عدم انتقال به مراکز بهداشتی جان باخته‌اند. طالبان مردم این منطقه را به دلیل حمایت از دولت مورد این برخورد ضد انسانی قرار داده است. آنچه مشخص است طالبان برای زمینه‌سازی گفت‌وگوهای صلح کماکان هیچ علاقه‌ای به برقراری آتش‌یس و کاهش شدت حملات ندارند، بلکه از یکسو در محور توطئه‌های بیرونی و از سوی دیگر در راستای امتیازگیری بیشتر در مذاکره با آمریکا حاضر است با هدف قرار دادن مردم بی‌دفاع، قربانیان بیشتری از آنها بگیرد. در چنین شرایطی، سوال اساسی این است که مذاکره با طالبان و تأمین صلح در افغانستان به چه قیمتی خواهد بود؟!

■ **سرنوشت انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری**

در عرصه انتخابات افغانستان، کمیسیون انتخابات این کشور نتوانسته به‌رغم وعده‌ای که داده، نتایج ابتدایی انتخابات پارلمانی را به صورت کامل اعلام کند و در چنین شرایطی، اعلام نتایج نهایی یک ماه دیگر را نیز دربر خواهد گرفت. ناگامی در برگزاری این انتخابات به‌خصوص با استفاده از فناوری بیومتریک یا انگشت‌نگاری،

سبب شده جریان‌های مختلف سیاسی نتایج این انتخابات را غیرشفاف بخوانند. درباره انتخابات ریاست جمهوری نیز با وجود فشارهای مستقیم و غیرمستقیم بویژه از جانب آمریکا، کمیسیون انتخابات افغانستان در حالی که ابتدا با تعویق ۳ ماهه انتخابات موافقت کرده بود، سرانجام اعلام کرد این انتخابات را بدون حتی یک روز تأخیر، ۳۱ فروردین سال ۱۳۹۸ برگزار می‌کند.

آمریکا پیش از این به صورت ضمنی اعلام کرده بود برای به نتیجه‌رسیدن مذاکرات با طالبان، انتخابات ریاست‌جمهوری به تعویق بیفتد یا حتی تعلیق شود و فراتر از آن، زمینه تشکیل یک حکومت موقت فراهم شود؛ درخواستی که با مخالفت ریاست جمهوری و دولت افغانستان مواجه شد. یکی از دلایل این مخالفت ریاست‌جمهوری افغانستان، به نوعی به عزم جدی محمد اشرف غنی برای ادامه حکومت خود در ۵ سال آینده و تلاش آمریکا برای ایجاد یک حکومت موقت و کنار زدن او، قابل تحلیل است. سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان هفته گذشته اعلام کرد محمد اشرف غنی به عنوان نامزد انتخابات آینده حضور خواهد داشت و در حال رایزنی در مورد ترکیب تیم انتخاباتی خود است. بر اساس جدول زمان‌بندی انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، ثبت‌نام نامزدها از اول دی‌ماه آغاز خواهد شد. با این وجود باید دید فضای این انتخابات همزمان با ادامه تلاش‌ها برای مذاکره با طالبان چگونه شکل خواهد گرفت و آیا پیش از برگزاری آن، بر اساس وعده آمریکا صلحی محقق خواهد شد یا خیر؟

■ **کنفرانس ژنو برای افغانستان**

در کنار مشکلات داخلی افغانستان و بن‌بست سیاسی- نظامی در این کشور، جامعه جهانی بار دیگر تعهد خود را برای حمایت از افغانستان تا پایان دهه تحول در این کشور (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴) اعلام کرد. در این کنفرانس که روزهای ۲۷ و ۲۸ نوامبر ۲۰۱۸ در مقر سازمان ملل متحد در ژنو برگزار شد، هیأت‌هایی از ۱۶ کشور و ۵۲ نهاد بین‌المللی حضور داشتند. شرکت‌کنندگان این کنفرانس بار دیگر روی کمک ۱۵/۲ میلیارد دلاری برای اولویت‌های توسعه‌ای افغانستان تا سال ۲۰۲۰ تأکید کردند. این حمایت گسترده، حداقل مردم افغانستان را بار دیگر مطمئن کرد که جامعه جهانی همچنان در کنار آنها خواهد بود و این کشور را به حال خود رها نخواهد کرد.

■***روزنامه‌نگار مقیم و پژوهشگر مسائل افغانستان**

می‌زند و در حاشیه آن مسائل دیگری مانند حقوق بشر را رفا عمومی مطرح می‌شود.

■ **تیتن بزرگ: با چین به توافق رسیدم!**

زمانی که ترامپ برای شرکت در اجلاس گروه بیست (جی ۲۰) عازم آرژانتین شده بود، دیداری میان روسای جمهوری چین و ایالات متحده اتفاق افتاد که نتیجه آن پایان جنگ تعرفه‌ای میان واشنگتن و پکن بود. عده‌ای از این توافق به عنوان عقب‌نشینی چین نام بردند اما موضوع اینجاست که میزان رشد اقتصادی چین و آمریکا قابل مقایسه با یکدیگر نیست و همین موضوع نگرانی‌هایی را برای پکن به‌وجود آورد. بحث اصلی که در این توافق بیش از پیش مهم بود، فشار کشاورزان به ترامپ بود. تعرفه‌های ۱۰ درصدی که قرار بود تا ۲۵ درصد افزایش پیدا کنند، صراحتاً تن شب کشاورزان آمریکا را به خطر انداخت و از این منظر ترامپ در توافق خود با رئیس‌جمهوری چین بر این موضوع تأکید کرد که یکی از شروط پایان جنگ تجاری این است که محصولات کشاورزی آمریکا توسط چین خریداری شود. این دقیقاً نشان می‌دهد رئیس‌جمهوری آمریکا اولاً به دنبال آن اسست تا جای پای خود را میان قشر محرک (کارگران، کشاورزان، صنعتگران و به طور کلی قشر مولد) محکم کند و از سوی دیگر برای فرار از ۲ پرونده داخلی که علیه وی مفتوح شده، نیاز به «تیتن بزرگ» دارد تا به همه ثابت کند او دیوانه نیست و از اقتصاد سر در می‌آورد. طبیعی است آرای خاکستری این تیترها را نگاه می‌کنند و به جرگه هواداران ترامپ می‌پیوندند و او می‌داند که باید این وضعیت را برای برون‌رفت از بحران‌های داخلی ادامه بدهد. ترامپ و مشاورانش بخوبی می‌دانند که پس از ژانویه از ناحیه دموکرات‌هایی که وارد کنگره خواهند شد مورد بمباران رسانه‌ای و سیاسی قرار می‌گیرند و طبیعتاً بدنه لیبرال سازمان سیا هم به آنها کمک خواهد کرد. در اینجا باید توجه داشته باشیم جناح مخالف ترامپ دقیقاً نقاط ضعف رئیس‌جمهوری آمریکا را می‌داند اما باید توجه داشت که پرونده دخالت‌های روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ بیش از قتل خاشقجی برای دموکرات‌ها اهمیت دارد. اگر بخواهیم بدون تعارف صحبت کنیم باید بگوییم پول حرف

اول و آخر تئوری‌های سیاسی، امنیتی، نظامی و تجاری را در آمریکا می‌زند؛ لذا آنچه برای دموکرات‌ها در ماه‌های آینده مهم خواهد بود پرونده نخست خواهد بود اما سناریوی ترامپ خلق تیترها بزرگ‌تر در حوزه سیاست خارجی برای درخشان نشان دادن کارنامه خود و فریب افکار عمومی است. در این رابطه احتمال دارد در حوزه جنوب آسیا (افغانستان و پاکستان) و همچنین درباره ایران و منطقه تحرکات جدی‌تری برای خلق تیتن بزرگ از سوی

ترامپ را شاهد باشیم.

■***کارشناس مسائل آمریکا**

آنچه نتانیاهو از پرونده سپر شمالی می‌خواهد

تعویق سقوط

صهیونیستی در مورد مناطق جنوبی خود نگران است و از این جهت نتانیاهو از این ابزار برای شلوغ نگه داشتن داخل اسرائیل به نفع منافع خود بهره می‌برد. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا اسرائیل به دنبال درگیری سخت با حزب‌الله طی سناریوی سپر شمالی خواهد بود؟ پاسخ منفی است، چرا که نتانیاهو نمی‌خواهد در این شرایط وخیم داخلی حزب‌الله را تحریک کند اما به دنبال آن است تا تشنج را در داخل سرزمین‌های اشغالی برای اهداف سیاسی و شخصی خود زنده نگه دارد. او قصد دارد به مردم بگوید تهدید در تونل‌های زیر خانه‌های‌شان همچنان باقی است و از آن به سود خود بهره‌برداری کند.

بخشی از سناریوی سپر شمالی برای انتخابات آتی اسرائیل و استمرار حیات این رژیم طراحی شده است. نتانیاهو در این میان به صورت واضح می‌بیند که بهترین زمان برای شلوغ‌کاری امنیتی، هم‌اکنون است و از این جهت به دنبال آن است تا به ساکنان سرزمین‌های اشغالی القا کند ایران دشمن شماره یک آنهاست و خطر حزب‌الله و حماس همچنان وجود دارد. از جهتی دیگر او برای بقای حیات قوم یهود به عادی‌سازی روابط با اعراب نیازمند است و بدون تردید دایره واکنش‌های امنیتی رژیم اشغالگر قدس گسترده‌تر خواهد شد. نتانیاهو اگر ببیند نمی‌تواند حمایت ایالات‌متحده و کشورهای عربی را در سناریوهای

خود جلب کند، بدون تردید دست به اقدام‌های خطرناک در سوریه و محیط خود خواهد زد. ادعای حمله به ایران همانند گذشته یک اظهارنظر واهی و منتفی به حساب می‌آید اما اینکه چرا حرم هوایی عمان روی جگنده‌های اسرائیل گشوده شده، موضوعی است که نباید از کنار آن بسادگی گذشت. مساله دیگر که متأسفانه از دایره تحلیل‌ها غایب است، بحث تأثیر «سلسله راهپیمایی‌های بازگشت»

بر معادلات امنیتی و ژئوپلیتیکی سرزمین‌های اشغالی است. اسرائیل بدشت از ادامه این روند ترس دارد و تئوریسین‌های امنیتی این رژیم معتقدند اگر روند راهپیمایی‌ها به غزه ادامه پیدا کند، می‌تواند این ابتکار عمل به کرانی باختری رود اردن سرایت کند و اینجاست که صهیونیست‌ها حیات خود را بر باد رفته می‌بینند. از این رو حدود ۲ روز قبل آئتونیو گوترش (دبیرکل سازمان ملل) رسماً خواستار همکاری اسرائیل و نهادهای امنیتی فلسطینی شده که اظهارات وی رسماً نشان از احساس خطر رژیم صهیونیستی در مورد وضعیت امنیتی سرزمین‌های اشغالی دارد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد بمبادء تغییر وزن معادلات امنیتی در سرزمین‌های اشغالی ضرب شست حماس بود اما واقعیت این است که نتانیاهو برای فرار از این وضعیت محتاج سناریوی دیگری است که البته هزینه‌های خاص خود را دارد.

■ **سخن آخر**

علاوه بر سناریوی سپر شمالی که توسط نتانیاهو مطرح شده، چند متغیر دیگر برای فرار از وضعیت فعلی سیاسی- امنیتی توسط او طرح‌ریزی شده است: ۱- تحرک‌های برون‌مرزی مرکب (اطلاعاتی- نظامی) در محیط پیرامونی که می‌تواند منجر به عملیات‌های خرابکارانه و دستبرد شود ۲- موج جدید اعلام به رسمیت شناختن بیت‌المقدس توسط برخی کشورها به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی که نمونه جدید آن به رسمیت شناختن قدس توسط دولت استرالیا خواهد بود ۳- حملات نقطه‌ای و کوتاه علیه مواضع ایران در سوریه و سایر متحدان آن ۴- تند شدن شیب سفرها و گفت‌وگوها و رایزنی‌های نتانیاهو با سایر مقامات کشورهای مرتبط از جمله روسیه و اعراب منطقه ۵- احتمال شروع سفرهای نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به کشورهای عربی منطقه مانند بحرین، امارات، قطر و حتی کویت.



بر معادلات امنیتی و ژئوپلیتیکی سرزمین‌های اشغالی است. اسرائیل بدشت از ادامه این روند ترس دارد و تئوریسین‌های امنیتی این رژیم معتقدند اگر روند راهپیمایی‌ها به غزه ادامه پیدا کند، می‌تواند این ابتکار عمل به کرانی باختری رود اردن سرایت کند و اینجاست که صهیونیست‌ها حیات خود را بر باد رفته می‌بینند. از این رو حدود ۲ روز قبل آئتونیو گوترش (دبیرکل سازمان ملل) رسماً خواستار همکاری اسرائیل و نهادهای امنیتی فلسطینی شده که اظهارات وی رسماً نشان از احساس خطر رژیم صهیونیستی در مورد وضعیت امنیتی سرزمین‌های اشغالی دارد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد بمبادء تغییر وزن معادلات امنیتی در سرزمین‌های اشغالی ضرب شست حماس بود اما واقعیت این است که نتانیاهو برای فرار از این وضعیت محتاج سناریوی دیگری است که البته هزینه‌های خاص خود را دارد.

بر معادلات امنیتی و ژئوپلیتیکی سرزمین‌های اشغالی است و از سوی حماس و کلبینه امنیتی‌اش باید همه‌های نظامی و ورخانه‌های امنیتی برای حفظ امنیت عمومی اسرائیل را بیشتر کنند و حتی خواهان به راه انداختن جنگ در لبنان، سوریه و منطقه هستند؛ از این منظر است که شاهد به راه افتادن عملیات جدیدی به نام «سپر شمالی» هستیم که البته بزرگنمایی رسانه‌های رژیم صهیونیستی از دستاورد این عملیات طی این سناریو بیشتر بوده است. نتانیاهو در عرصه عمومی بارها به تونل‌های احداث شده حماس و حزب‌الله لبنان اشاره کرده و آنها را تهدیدی برای امنیت سرزمین‌های اشغالی خوانده بود اما هیچ‌گاه به این نکته اشاره نکرده است که چرا به‌رغم هشدارهای یونسکو و ثبت قدس شریف در فهرست بناهای تحت نظارت این نهاد بین‌المللی، حفاری‌های زیادی توسط نیروهای میدانی موساد و ارتش رژیم صهیونیستی در زیر قدس انجام شده است.

این موضوع دقیقاً نشان می‌دهد نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به دنبال خروجی فراتر از دستاورد نظامی است و حتی باید بگوییم پرونده سپر شمالی یک سناریوی فریب به حساب می‌آید تا عملیات شمالی در محیط

لبنان. بخش دیگری از سناریوی سپر شمالی اسرائیل به تقویت نفوذ ایران در منطقه بازمی‌گردد؛ گفت‌وگوهای میان مسکو و تل‌آویو نشان می‌دهد رژیم